

این بود خلاصه آنچه در شماره گذشته بیان شد. جدول پایه ها را مخصوصاً در اینجا تکرار نمودیم که برای مقابله و مقایسه بجزها یعنی آنچه در این شماره میگویم مهیا و دم نظر باشد.

البته میتوان تصور کرد که پایه ها را از این دورتر هم، یعنی بشش و هفت و هشت هجائی میتوان برد. اما چون در فارسی نادر است که آتقدر هجای کوتاه پشت سرهم واقع شوند، مخصوصاً با دستوری که از معمول شعرا استخراج گشته، که روی کسره اضافه و صفت میتوان ایست نموده هجای دراز حساب نائیم. زیاده بر این ناروا بنظر می آید. با وجود این اگر از نظر موسیقی کلماتی چند بیابند که بصورت هجاهای کوتاه در آهنگی آورده شود مانند - در سرهنر تو من - که شش هجای کوتاه پی در پی آمده است، ممکن است رده را بشش و هفت هجائی برد؛ در این صورت پایه های زیرین نیز، البته بندرت، وارد بجزها میتوانند بشوند:

۰۸۸۸۸۸۸۰ - ۰۰۸۸۸۸۸۸ - ۰۰۸۸۸۸۸۰ - ۰۸۸۸۸۸۸ - ۰۸۸۸۸۸۰ - ۰۰۸۸۸۸۸

۰۸۸۸۸۸۸۰ - ۰۸۸۸۸۸۸

اینها که برای مثال آوردیم، یقین داریم مورد احتیاج واقع نخواهد شد، زیرا اگر در زبان معمولی ممکن است هجاهای کوتاه باین ترتیب پشت سر هم بیفتند، در زبان شعری نادر است و اگر هم مثال پیدا نماید شاید در تصنیف های شوخ ولوده بعنوان برگردانها بیابند. حتی پایه چهاردهم نیز نادر است، ولی از نظر موسیقی در پایه های اساسی گنجانده شد.

بهر سازی - بهر سازی عبارت از انتخاب یا تکرار پایه هاست بمقداری

که لنگه شعری را تشکیل بدهد. این پایه ها بطرزهای مختلف هزاران بهرهای شعری متفاوت خواهد داد که بنسبت سادگی یا پیچیدگی و وزن آنها، به بسند و نابسند (مطبوع و نامطبوع) تعبیر شده اند.

مثلاً فرض نمائید پایه اول، یا هر يك از پاییا، بسته باینکه چند بار تکرار شوند بحوری مختلف میدهند؛ یا اینکه همان پایه را با يك پایه دیگر، هر دوی آنها را چند بار تکرار کنیم؛ یا اینکه يك پایه را دو بار بایکی دیگر لنگه، یا یاره لنگه ای قرار دهیم؛ در هر يك از این طرزها (۱۴ × ۱۴) ۱۹۶ بهر بدست می آید. و برای اینکه در ضمن نوشته و کتب بتوان بطور خلاصه آنها را یادداشت نمود و مثال آورد، بوسیله تعددهم میتوان ترسیم نمود. مانند این عدد - ۴ (۲-۱) - که منظور از آن پایه اول بعلاوه دوم که آنرا رسم تکرار می نامیم و بعد از خط هلال، عدد چهار، تکرار آنچه پیش از هلال است چهار بار پی در پی میرساند؛ چنانکه این غزل شیخ بهمن بحر است:

00 - 0A - 0n - 0A + 00 - 0A - 00 - 0A

گرم باز آمدی محبوب سیم اندام سنگین دل (فعل فاعل چهار بار)
گل از خارم بر آوردی و خار از با ویا از گل

و ممکن است هلال لازم نشود - یا یک پایه در ضمن لنگه نمونه ، يك یا چند بار تکرار گردد ؛ در این موقع تعداد تکرار مانند اکسیوزان بالای آن گذاشته میشود ،

مانند این بحر : ۱۳ + ۸ + ۵ - که از اینقرار است

00AAO - 0AAO - 0AAO - O O

باده گر جوش زنده گل زچه رو بدلب جو ؟
فاعِلن مفعِلن مفعِلن مفعِلن

پس از این مقدمه که برای روشن نمودن طرز بحرسازی و نوشتن آن بوسیله عدد بود ، اکنون ببینیم چند شکل مختلف میتوان بحر ساخت :

۱ - هر پایه از چهارده پایه را میتوان یکبار یا خودش و سیزده بار با هر یک از پایه های دیگر بعنوان رسم یا نمونه تکرار ، ترکیب کرد ، که روی هم ۱۴ × ۱۴ یعنی ۱۹۶ بحر میدهد - و اگر بخواهیم بزرگی و کوچکی بحرهارا نیز حساب نمائیم چندین برابر خواهد شد.

۲ - هر پایه با تکرار خودش و یک پایه دیگر باز ۱۹۶ بحر میدهد .

۳ - هر دو پایه بی در بی با دیگری باز بهمان ترتیب . . .

۴ - هر پایه سه بار تکرار شده با دیگری باز بهمان ترتیب . . .

۵ - هر پایه دو بار با پایه دیگر که آنها دوبار تکرار گردد . . .

۶ - هر پایه با دو بار تکرار دیگری با یک سومی ، مانند (نمره ۲۹ فهرست بحور عروضی)

۷ - یکی با سه بار تکرار از دیگری مانند : (نمره - ۹ - فهرست . . .)

۸ - از سه پایه مختلف

۹ - از چهار پایه مختلف (نمره - ۱۷ - فهرست . . .)

۱۰ - از پنج پایه مختلف

۱۱ - هر پایه دو بار با دو پایه دیگر (۴۶ - فهرست . . .)

۱۲ - یکی با دو بار تکرار دیگری و سومی و چهارمی و پنجمی (۵۲ - فهرست . . .)

عجالة همین ۱۲ قسم - ۲۲۵۲ بحر میدهد و چنانکه در طرز یکم بیان شد اگر بزرگی و کوچکی بحرهارا نیز بخواهیم حساب کنم هر یک از این انواع دوازده گانه ممکن است چندین برابر شوند - گویانکه از این بحرها گاهی يك بحر بدو نوع مختلف می آید ، با وجود این عده بحدی زیاد است که نه میتوان فهرستی ترتیب داد نه بین آنها با قواعد موسیقی بسند و نایسند نموده یا اینکه چندین درجه قائل شد ؛ اینکه میگویم نمیتوان ، حوصله و فرصت خود را میگویم

والا چه عیب دارد مثل کتاب جدولهای لگارتیم، يك كتاب مخصوص برای فهرست بحر های شعری باشد که ضمناً درجاتی هم از قبیل زیبا - خوب - خوبک - سنگین - سخت - ناروا - بد و غیره - البته از روی قواعد وزن و موسیقی - بآنها داده شود آنوقت در اینکه این کتاب چه قدر مورد احتیاج شعرا خواهد بود و تا چه حد تنوع بحر های شعری را سهل و آسان مینماید، احتیاج به اثبات نیست. دیگر اینکه وقتی عدهٔ بحور آنقدر زیاد است موضوع اینکه هر بحر را نامی بدیم از میان می رود یا شاید میتوان ده یا زده بحر معروف را بنام شعرای مهم نامید مانند بحر متقارب را که اگر بحر فردوسی بشویم میرساند که استاد با این بحر مانوس تر بوده و غالب گفته هایش در این بحر است. و الا از همه قسم سهل تر نامیدن بحر بوزن مفاعیل آن یا با عددی است که تربیت داده ایم.

بزرگی و کوچکی بحر ها را باید بتفصیل در فصل بدیم گفتگو نمود، با وجود این مختصراً تذکر داد که: اشعار فارسی را میتوان از يك هجا (باستثناء کوتاه) تا ۲۱ هجا ترکیب نمود. باین ترتیب که تاشش هجائی را همانطور که بدیع میگوید جزو مستزاد حساب بنمائیم، که مخصوصاً در سرود ها و تصنیف ها خیلی بکار است، مانند این سرود کردار نیک از فردوسی، که در دفتر اول سرود های مدارس بچاپ رسیده است:

۳	تو کردار نیک از توانا شناس > — ۱۱ هجا
۴+۱	بحر فردوسی: > ————— ۵ هجا
۲+۴	پیوسته دانا > —————

خرد را بتزدیک دانا شناس
باشد توانا

ولی از هفت هجائی بیالان را مستقلاً باید شعر حساب نمود؛ اگر چه کوچکتر آنهم همینقدر که دارای وزن و فکر است شعر است ولی چتهٔ آنرا ندارد که خود پتهائی کافی باشد، زیرا فکر را باید خرد نموده و در عدهٔ شعر زیاد بکار برد و عیب آنهم اینست که يك ثلث شعر صرف قافیه میشود؛ بنا بر این بسیار مشکل است و هر چه قدر طبع روان باشد چون جمله های خیلی کوچک باید بیان شود شاعر را خسته مینماید، و الا برای شنونده زود تر بغاظر نشسته و چون کوتاداست غالباً حکم ضرب المثل را پیدا میکند.

مانند این شعر شش هجائی: ای یار گرامی آخر تو کجائی؛ خلاصه اینکه تصویب یا تکذیب اینها با اساتید شعراست، مادر اینجا يك حدودی قائل میشویم که باروش و روح شعر فارسی البته بسلیقهٔ خودمان، متناسب است. اکنون دو شعر زیرین کوچکترین و بزرگترین بحر ها را را میرساند (اگر چه ۲۱ هجائی در مقدمین نیاقتم)

لنگهٔ بحر هفت هجائی: بماندم عزیزان، من از بیداد هجران.

۴ — ۲ — ۱

بحر بیست هجائی: چه شد صفا، که سوی کسی، بچشم رضاینگری؟

زرسم جفا نمبگذری، طریق وفا نمی سیری؟

۴ (۳ - ۱)

بزرگتر از این بحر البته میسر است ولی نفس شاعر و گوش شنونده را آزرده خواهد نمود؛ چون معمولاً اشعار تا بقافیه برسد يك نفس خوانده میشود و گوش هم باید مطلب دراز را گرفته برای تجزیه زیبایی های صنعتی تحویل لابراتوار مغز بدهد، و هنگامی که در این امور سگته و اغتشاشی حاصل شد زیان آن به هنر وارد میشود. اینک بطور اختصار ترتیب فهرست بندی بحر را مطابق طرز های دوازده گانه مذکور نمونه داده پس از آن فهرست بحر های عروضی را با مفاعیل تازه و عدد نویسی واسامی عربی آنها بیان مینمائیم تا بحوری که جدیداً بوجود می آید برای رفع شبهه با آنها مقایسه گشته جدید یاقدم بودن آنها برای شاعر معلوم گردد.

نمونه بحر سازی

طرز اول: ترکیب رسم از هر پایه با خود یا با دیگری. اگر از بحرهای متداول باشد نام آن بحر و شعر نمونه را متذکر میشویم، و اگر نباشد کلماتی برای سنجش نشانده ایم.

نمره ترتیب	وزن بحر بوسیله پایه ها .	عدد نویسی آنها	نام بحر یا اصطلاح قدیم برای سنجش
۱	۰۸ - ۰۸ - ۰۸ - ۰۸ - ۰۸ - ۰۸ چرا عجت ندا رم از نگار خود؛	۱) ۶	رجز مسدس مخبون
۲	۰۰ - ۰۸ - ۰۰ - ۰۸ - ۰۰ - ۰۸ سینه روزم من از چشم سیاه تو؛	۳) ۲ + ۱	هزج مسدس سالم
۳	۰۸۸ - ۰۸ - ۰۸۸ - ۰۸ - ۰۸۸ - ۰۸ - ۰۸۸ - ۰۸ چه شد صنما، که سوی کسی بچشم رضا نمی نگری؟	۴) ۳ + ۱	وافر مشمن سالم
۴	۰۰۸ ۰۸ - ۰۰۸ ۰۸ صبا بیای ز مهر بانوی.	۲) ۴ + ۱	مقارِب مشمن مقبوض ائلم
۵	۰۸۰ - ۰۸ - ۰۸۰ - ۰۸ بمن برگشدر بمن در نگر	۲) ۵ + ۱	ندارد
۱۴	— همینطور تا نمره ۱۴ باید پیش برود. از نمره ۱۵ پایه دوم شروع میشود بحر ز زبیرین:		
۱۵	۰۰ - ۰۰ - ۰۰ - ۰۰ تا کی مارا در غم داری؟	۴) ۲	ندارد
۱۶	۰۸۸ - ۰۰ - ۰۸۸ - ۰۰ جانا ز غمت خون شد دل من،	۲) ۳ + ۲	»
۱۷	۰۰۸ - ۰۰ - ۰۰۸ - ۰۰ گر تیغ بارد از کوی آناه؛	۲) ۴ + ۲	مقارِب مشمن ائلم
تا			
۲۸	۰۸ - ۰۰ - ۰۸ - ۰۰ - ۰۸ - ۰۰ ای مه مرا گراز برا بر بگذری،	۳) ۱ + ۲	رجز مسدس سالم

برای طرز اول همین نمونه فوق کافی است باید فهرست را تا ۱۹۶ تکمیل کرد. اینک طرز دوم هرپایه با تکرار خودش و یک پایه دیگر :

ندارد (تعجب است که نیست چون سهل و روان است)	۲(۲+۱۲)	۰۰-۰۸-۰۸+۰۰-۰۸-۰۸	۱۹۷
خوب وزنی است	۲(۳+۱۲)	۰۸۸-۰۸۰۸+۰۸۸-۰۸-۰۸	۱۹۸
ندارد (خوب است)	۲(۳+۲۴)	۰۸۸-۰۰-۰۰+۰۸۸-۰۰-۰۰	۲۱۱
ندارد	۲(۳+۲+۱)	۰۸۸-۰۰-۰۸+۰۸۸-۰۰-۰۸	۳۹۳
مخصوص موسیقی سبک	۲(۱۴+۲+۱)	۰۰۰+۰۰۸۸۸-۰۰-۰۸	۴۰۶
ندارد (خوب است)	۲(۲+۱۲)	۰۸-۰۸-۰۸+۰۰-۰۸-۰۸	۵۸۹
ندارد (سنگین-یاریه دومرا تغییرات میتوان داد تا بهتر شود) قافیه باغ با مشتاق را عمدی گذاشتیم	۲(۲۴+۱۲)	۰۰-۰۰-۰۸-۰۸+۰۰-۰۰-۰۸-۰۸	۷۸۵
ندارد	۳+۲۴+۱	۰۸۸-۰۰-۰۰-۰۸	۹۸۱
ندارد	۲۴+۱	۰۰-۰۰-۰۰-۰۸	۱۱۷۷
هنر مشمن اخرب مکفوف مقصور	۷+۷۴+۲	۰۰۸۸-۰۰۸۸-۰۰۸۸-۰۰	۲۱۸۶
	(۱)	ما رند و خراباتی و دیوانه هستیم ، بهین ترتیب فهرست دوازده گانه را میتوان تا انتها بردولی ما بهین نمونه ختم مینمائیم	

۱- عدد هفت که زیرش خط گذاشته اسم برای پایه است که به هجای کنک تمام

اینک اوزات عروضی معروف با مفاعیل تازه و اشعار نمونه و اسماء عربی آنها
(که باید در تدریس از بین بروند)

طویل سالم	۴ + ۱ + ۲) ۲	۰۰-۰۸ - ۰۰۸ + ۰۰ (۱) ۰۸-۰۰۸	۱
		بکویت شبی خفتیم ، چومویت بر آشتیم؛ فعلون فعل فاعل فعل فاعل فعل فاعل	شعر مفاعیل
طویل مقبوض	۴ + ۱ + ۲ ۴ + ۱ ۲	۰۸--۰۸ - ۰۰۸-۰۰-۰۸-۰۰۸	۲
		بکویت نمی دانم چه خاکی بسر کنم؟ فعلون فعل فاعل فعل فاعل فعل فاعل	
مدید سالم	۵ + ۲ + ۱) ۲	۰۸ - ۰۰-۰۸۰ + ۰۸ - ۰۰ - ۰۸۰	۳
		در خماریم ساقیا ، ساغری ده از میم. فاعلن فاعل فعل فاعلن فاعل فعل	
بسیط سالم	۲ + ۱ + ۵) ۲	۰۸۰--۰۸--۰۰ + ۰۸۰-۰۸-۰۰	۴
		گر نرخ یک بوسه ات ، صدجان بودای صنم؛ فاعل فعل فاعلن فاعل فعل فاعلن	
بسیط مخبون	۲ + ۱ + ۳) ۲	۰۸۸ - ۰۸-۰۰ + ۰۸۸-۰۸-۰۰	۵
		ای زلف دلبر من ، آشفته و دژمی ؛ فاعل فعل فاعلن فاعل فعل فاعلن	
وافر مشمن سالم	۱ + ۳) ۴	۰۸۸-۰۸-۰۸۸-۰۸ : ۰۸۸.۰۸.۰۸۸.۰۸	۶
		چه شد صنما ، که سوی کسی چشم رضائینگری؟ فعل فعلن	
کامل مشمن مضمهر	۳ + ۱ + ۲ + ۱) ۲	۰۸-۰۰-۰۸-۰۸۸ + ۰۸-۰۰-۰۸-۰۸۸	۷
		من بی نوا را ناصحا ، بخدا که ترک پندکن؛ فعلن فعل فاعل فعل	
هزج سالم	۱ + ۲) ۴	۰۰-۰۸-۰۰-۰۸ + ۰۰-۰۸-۰۰-۰۸	۸
		گرم باز آمدی محبوب سیم اندام سنگین دل؛ فعل فاعل	

۱- در عروض سابق بجای فعل فاعل یک کلمه مفاعیلن یا بجای فاعل فعل دستفعلن

میآید ؛ اینجا برای بهم نخوردن دستور پایه بندی اینطور نوشته میشود و همچنین هم ممکن است سرهم فمفاعیل نوشت و تفاوتی در وزن حاصل نمیشود .

بجریهای عروضی متداول

هرج مشمن اُخرِب مکفوف مقصور	۲ + ۷ ۲ ۱ - ۷	() 0000 - 00000 - 00000 - 00	۹
هرج مشمن اُخرِب	۲ + ۳ + ۲) ۲	00 0000 - 00 00-0000 00	۱۰
هرج مشمن مقبوض	۱) ۸	00-00-00 00 00 - 00-00-00	۱۱
هرج مشمن مکفوف	۴ ۱ ۷ ۲ + ۷	() 0000 - 00000 00000 - 0000	۱۲
هرج مشمن اشتر	۵ : ۱ - ۲) ۲	00-00 - 000 00 - 00 - 000	۱۳
هرج مسدس سالم	۱ + ۲) ۳	00 - 00 - 00 00 - 00 - 00	۱۴
هرج مسدس مقصور	۱ + ۲) ۲	000 - 00 - 00 - 00 - 00	۱۵
هرج مسدس اُخرِب مقبوض مکفوف	۲ + ۳ ۱ ۴	() 00 - 00-0000-00 (یللی مجنون)	۱۶
از هرج اُخرِب که ۱۲ وزن است	۲ + ۷ + ۳ + ۶	() 000-0000-00000-00	۱۷
هرج اُخرِم که نیز ۱۲ وزن میدهد	۲۴ + ۸ + ۶	000 - 0000 - 00 - 00	۱۸

(۱) بجز رباعی که دوبیتی و ترانه هم نامیده اند ۲۴ وزن مختلف است که بدو شجره اُخرِب و اُخرِم ، و هر کدام را ۱۲ قسم ترتیب نموده اند؛ که در انتهای بجریهای عروضی ترسیم خواهیم نمود.

رجز مشمن سالم	۲-۱(۴)	0۸-00-0۸ 00 ' 0۸-00-0۸-00	۱۹
		خواهم که در صورت گری ، نقش دهانش را کشم؛	
		فَاعِل فَعْل	
رجز مطوی	۸)۴	0۸۸0 - 0۸۸0 0۸۸0 - 0۸۸0	۲۰
		ز آتش دل ، بسکه بتابست و به تب این دل من؛	
		مَفْتَعِلن	
رجز مشمن مخبون مطوی	۸-۱(۲)	0۸-0۸-0۸۸0 , 0۸-0۸-0۸۸0	۲۱
		آنکه نیات عارضش ، آب حیات میخورد؛	
		مَفْتَعِلن فَعْل فَعْل ...	
رجز مشمن مخبون مطوی	۱۲+۸ ۲	0۸۸0-0۸-0۸ ' 0۸۸0 - 0۸ - 0۸	۲۲
		فغان کنان هر سحری ، بکوی تو میگردم	
		فَعْل فَعْل مَفْتَعِلن...	
رجز مشمن مطوی مخبون مقطوع	۸+۱۲+۸+۶	000-0۸۸0 ' 0۸ 0۸ 0۸۸0	۲۳
		سرو نخوا نمت که او نیست بدین رعنائی	
		مَفْتَعِلن فَعْل فَعْل مَفْتَعِلن مَفْعولن	
رجز سدس سالم	۲-۱(۳)	0۸-00-0۸-00-0۸-00	۲۴
		ای مه ، سراگر از برا پر بگذری	
		فَاعِل فَعْل	
رجز سدس مخبون	۱)۶	0۸-0۸-0۸-0۸ 0۸-0۸	۲۵
		کنون که گردد از بهار خوش هوا؛	
		فَعْل	
رجز سدس مطوی	۸)۳	0۸۸0 - 0۸۸0 - 0۸۸0	۲۶
		نیست تورا هیچ بسویم نظری	
		مَفْتَعِلن	
رمل مشمن سالم	۱۰)۴	00۸0-00۸0+ 00۸0-0۸۸0	۲۷
		بهر صیدم چند تازی؟ خسته شدای سمنهت؛	
		فَاعِلن(۱)	

۱- مطابق ستور پایه بندی فاعلن باید فاعل فعولن پایه بندی بشود ولی هر وقت از پایه های کوچکتر نتوان مجموع بحر را با يك پایه بزرگتر ، از همان ۱۴ پایه تکرار نمود ، ترجیح با طرز دوم است .

رمل مثنی مخبون	۵+۸+۱۳	۰۰۸۸۰ - ۰۸۸۰ - ۰۸۸۰ - ۰۸۸۰	۲۸
		باده گر جوش زند ، گل ز چه روید بلب جو؟ فاعلن مفعلمن مفعلمن مفعلمن	
» » » مجحوف	۵+۸+۲	۰۰ - ۰۸۸۰ - ۰۸۸۰ - ۰۸۸۰	۲۹
		میبرد از لب شیرین بکلا می دین! فاعلن مفعلمن مفعلمن فاعل	
» » مسبق	۱۰)۳+	۰۰۸۰ ۰۰۸۰ + ۰۰۸۰ - ۰۰۸۰	۳۰
	<u>۱۰</u>	تابکی گرم بزاری همچو ابرنوبهاران؟ فاعلانن - - فاعلانن	
» » « يك ركن مشکول دیگری سالم	۳+۱+۴)۲	۰۰۸-۰۸۸ ۰۸۸+۰۰۸-۰۸-۰۸۸	۳۱
		سر آن ندارد امشب که بر آید آفتابی، فعلن فعل فاعلن . . .	
رمل مخبون مشعت	۷ ۴+۶	۰۰۰-۰۰۸۸ + ۰۰۸۸-۰۰۸۸	۳۲
		خجل اندل که بنار هم عشقت نگدازد، فعلانن - - مفعولن	
رمل مثنی محذوف	۱۰ ۴+۵	۰۸۰-۰۰۸۰-۰۰۸۰-۰۰۸۰	۳۳
		آنچه بر مرغ دل از زلف تو دلبر بگذرد، فاعلن - - فاعلن	
» » « مخبون مقصور	۵+۱۰+۱۰	۰۸۸۰-۰۸۸۰-۰۸۸۰-۰۸۰	۳۴
		از سر کوی تورفتن، بخدایم توان، فاعلن مفعلمن - مفعلمن	
» » »	۷ ۴	۰۰۸۸-۰۰۸۸-۰۰۸۸-۰۰۸۸	۳۵
		بناروی نکوتا فرحی رو بنماید. فعلانن - - -	
بحر طویل	۷)۸	۰۰۸۸- (۸ بار) که شعر هر لنگه از این قرار میشود:	۳۶
		دی گذشتم بسر کوی نگاری چو بهاری برخی ماه درخشان بقدی سرو خرامان . . .	
رمل مسدس سالم	۱۰)۳	۰۰۸۰ - ۰۰۸۰ - ۰۰۸۰	۳۷
		عیدنوروز امیر المؤمنین شد فاعلانن - -	
» » « محذوف	۱۰ ۴+۵	۰۸۰-۰۰۸۰-۰۰۸۰ (وزن مثنوی)	۳۸
		هر کجاستو با منی، من خوشدام فاعلن - - فاعلن	

رمل مسدس مخبون م تصور	۵ + ۸ + ۸	۵۸۸۰ - ۵۸۸۰ - ۵۸۰	۳۹
» » » مجذوف	۵ + ۸ + ۲	۵۸۸۰ - ۵۸۸۰ - ۵۸۰	۴۰
سریع مطوی موقوف	۸ + ۲ + ۵	۵۸۸۰ - ۵۸۸۰ - ۵۸۰	۴۱
منسرح مشمن م وی موقوف	۸ + ۵ + ۲	۵۸۸۰ - ۵۸۸۰ - ۵۸۰	۴۲
» » » منجور	۸ + ۱ + ۵ + ۸	۵۸۸۰ - ۵۸۰ - ۵۸۰ - ۵۸۸۰	۴۳
منسرح مسدس مطوی	۸ + ۵ + ۱ + ۳	۵۸۸۰ - ۵۸۰ - ۵۸۰ - ۵۸۸	۴۴
خفیف مسدس مخبون	۵ + ۲ + ۱ + ۷	۵۸۰ - ۵۸۰ - ۵۸۰ - ۵۸۸۸	۴۵
خفیف مخبون مقطوع	۵ + ۲ + ۱ + ۳	۵۸۰ - ۵۸۰ - ۵۸۰ - ۵۸۸	۴۶
خفیف مشعث	۵ + ۲ + ۱ + ۶	۵۸۰ - ۵۸۰ - ۵۸۰ - ۵۸۸	۴۷
مضارع مشمن مکفوف م تصور	۴ + ۱ + ۱ + ۲	۵۸۰ - ۵۸۰ - ۵۸۸ + ۵۸۸ - ۵۸۸	۴۸
مضارع مشمن اخب	۲ + ۱ + ۱ + ۴ + ۲	۵۸۸ - ۵۸۰ - ۵۸۰ + ۵۸۸ - ۵۸۸	۴۹

مضارع مشمن اُخرب مسبغ	۲+۱+۴	$\begin{matrix} \text{OOA-OA-OO} \\ \text{OOA-OA-OO} \end{matrix}$ <p>ای اعل نو سخندت ، کام شکردهانان . فاعل فعل فعولن فاعل فعل فعولان</p>	۵۰
» » » محذوف	۲+۱+۴	$\begin{matrix} \text{OA-OA-OO} & - & \text{OOA-OA-OO} \\ & & \text{AA} \end{matrix}$ <p>دیدار می نمائی و برهیز میکنی ! فاعل فعل فعولن فاعل فعل فعل</p>	۵۱
» » » مکفوف	۲+۱۲+۳	$\text{AA-OAA-OAA-OA-OA-OO}$ <p>گفتی بسا غری شکتم امشبت خمار فاعل فعل - - فعلن فاعلن فعول</p>	۵۲
مقتضب مشمن مطوی	۵+۱+۳	$\text{OAA OA-OAA} \quad ; \quad \text{OAA-OA-OAA}$ <p>تابدید (طرف چمن ، عکس روی یاسمنش ؛ فاعلن فعل فعلن . . .</p>	۵۳
» مطوی مقطوع	۵+۱+۲	$\text{OO-OA-OAA} + \text{OA-OA OAA}$ <p>دقت راغنیمت دان ، آنقدر که بتوانی . فاعلن فعل فاعل . . .</p>	۵۴
مجث مشمن مخبون	۱۲+۷	$\text{OAA-OA-OA} + \text{OOAA OA-OA}$ <p>هزار جهد بکردم که سر عش بیوشم فعل فعل فعلاتن . . .</p>	۵۵
» » » ابتر	۱۲+۲+۵	$\text{OAA OA-OAA-OAA-OA-OA}$ <p>زجان کلام تو دلجو تر است و نیکوتر . فعل - فعلن فاعلن فعل فعلن</p>	۵۶
مقارت مشمن سالم	۴	OOA OOA-OOA-OOA <p>(فردوسی) خیالت چو برجا نم آرد شبیخون ؛ فعولن - - -</p>	۵۷
» » مقصور	۴+۱	OOA-OOA-OOA <p>یکی دختری داشت خاقان چوماه . فعولن - - - فعل</p>	۵۸
» » اتم	۲+۴	$\text{OOA-OO} + \text{OOA-OO}$ <p>گرتیغ بارد ، ازکوی آناه فاعل فعولن . . .</p>	۵۹
» مقبوض اتم	۱+۴	OOA-OA-OOA-OA <p>صبا بیای ، زمهر بانی ؛ فعل فعولن . . .</p>	۶۰

مقارب مسدس سالم	۳) ۴	۰۰۸ - ۰۰۸ - ۰۰۸	۶۱
		چواکئون چمن شد بهشتی ، فعلن — —	
متدارک مثنی سالم	۴) ۵	۰۸۰-۰۸۰ ۰۸۰-۰۸۰	۶۲
		چورخت ماه من بر فلک مه تافت (گنگ اشتباه است) فعلن فعلن — —	
مخبون • •	۴) ۳	۰۸۸-۰۸۸ ۰۸۸-۰۸۸	۶۳
		چورخت • نبود گل باغ ارم . فعلن — — —	
متطوع » »	۴) ۲	۰۰ - ۰۰ - ۰۰ - ۰۰	۶۴
		تاکی مارا درغم داری ؟ فعلن — — —	
مخبون مقطوع » »	۲) ۱+۵	۰۸ . ۰۸۰ ۰۸-۰۸۰	۶۵
		ستبل سیه ، برسمن مزن فعلن فعل . . .	
قریب مسدس مکفوف	۳+۴	۰۸۸-۰۰۸ ۰۸۰-۰۸۸	۶۶
		نهان کرد بیا فوتاب دهان . فمولن فعلن فعلن فعل	
اخر ب مکفوف » »	۳-۲	۰۰۸-۰۸۰-۰۸۸-۰۰	۶۷
		تاطبع رهی برقرار باشد فعلن فعلن فعلن فعلن	
جدید مخبون	۳+۷	۰۸ - ۰۸۰ - ۰۸۸ ۰۰۸۸	۶۸
		اجل از از گل من گل بر آ و رد ؛ فعلاتن فعلن فعلن فعل	
مشا کل مثنی مکفوف مقصور	۲) ۱+۵	۰۰۸۸ - ۰۸۰ ۰۰۸۸ - ۰۸۰	۶۹
		خیز و طرف چمن گیر ، باخریف سمن روی . فعلن فعلاتن فعلن فعلن	

تذکر — در اینجا از بجز جدید یازده گانه در عروض صحبت شد، ولی ما برای آنها مثال نیافیم ؛ دو
شجره اخر ب و اخرم رباعی ها چون در مجله چاپ کردن آن مشکل است ، در کتاب دروض نوارانه
خواهد شد . اوزان موسیقی بحرهای متداول نیز چون وسیله چاپ آنها در مجله نیست موکول بکتاب میشود .
خانه ؛ از آنچه بیان شد فهرست ها برای سنجش و آشنائی بیجهاست ، از ماده یک تا
هفت وجدول یابهها جزو معلومات عروضی است که باید خوب در ذهن باشد ، بقیه مطالعاتی بود برای
روشن نمودن آن مواد ، پس ازین از فائیه دستورهای نوراجع بان صحبت میشود که مهمتر از موضوع
عروض است .